

Jurisprudential and Legal Criterion for the 'Ehsan' of the Traveler

Abdolreza Lotfi*

Assistant professor, Fiqh and Islamic Law Department, Tabriz University Faculty of Theology and Islamic Sciences.

Reza Dehghanian

Ph.D. Public Law, Lecturer at Tabriz University , Tabriz, Iran.

Abstract


According to Imami jurisprudence and the Islamic Penal Code of Iran, committing adultery in some circumstances may result in a minimum punishment and in other circumstances, may be subject to a maximum punishment. This issue is of great importance in the Islamic penal system and Iranian criminal law. Considering that one of the examples of the application of the minimum punishment is the non-fulfillment of a man or a woman, and according to Article 227 of the Islamic Penal Code of Iran, travel excludes couples from the misery, the question arises that travel in the absolute sense , Can it cause the perpetrator of adultery to leave Ehsan or are there other conditions necessary for the fulfillment of Ehsan's passenger? Considering the descriptive-analytical study of the views presented in this research, it seems that the basic criterion for the realization of the passenger's convenience is the existence of a customary ability to enjoy whenever he wants. On the other hand, presenting a model of religious distance for the realization of Ehsan is contrary to the content of popular narrations. Therefore, determining the religious distance as a criterion for leaving Ehsan will not be compatible with the criterion of customary ability as the famous saying of the jurists, which has been discussed in detail.


Keywords: Traveller, Traveler's Ehsan, Mohsen, Adultery, Stoning.

* Corresponding Author: Tasnim4757@gmail.com

How to Cite: Lotfi, A., & Dehghanian, R. (2022). Jurisprudential and Legal Criterion for the 'Ehsan' of the Traveler. *Journal of Criminal Law Research*, 11(41), 99-123. doi: 10.22054/jclr.2023.58920.2283.

ضابطه فقهی و حقوقی در احسان مسافر

عبدالرضا لطفی*  استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

رضا دهقانیان  دکتری حقوق عمومی، مدرس دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

بر اساس فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی ایران، ارتکاب زنا در شرایطی ممکن است موجب حداقل مجازات و در شرایط دیگری، مستوجب اعمال حداکثر مجازات گردد. این مسئله در نظام جزایی اسلام و قوانین کیفری ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. نظر به اینکه یکی از مصادیق اعمال حداقل مجازات، عدم تحقق احسان مرد یا زن می‌باشد و بر اساس ماده ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی ایران، مسافرت، زوجین را از احسان خارج می‌کند، این سؤال مطرح می‌شود که سفر به معنی مطلق می‌تواند سبب خروج مرتکب زنا از احسان گردد یا وجود شرایط دیگری برای تحقق احسان مسافر لازم است؟ با توجه به بررسی توصیفی تحلیلی دیدگاه‌های مطروحه در این پژوهش، به نظر می‌رسد معیار اساسی برای تحقق احسان مسافر، وجود تمکن عرفی از استمتاع در هر زمانی است که اراده کند. از طرف دیگر، ارائه الگوی مسافت شرعی برای تحقق احسان، مغایر با محتوای روایات مشهور است. بنابراین، تعیین مسافت شرعی به عنوان ملاک خروج از احسان با معیار تمکن عرفی به عنوان قول مشهور فقها که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است، سازگاری نخواهد داشت.

واژگان کلیدی: مسافر، احسان مسافر، محصن، زنا، رجم.

مقدمه

تخفیف مجازات پیش‌بینی شده برای زانی یا زانیه در قانون مجازات اسلامی بر اساس فقه جزایی، تحت شرایطی امکان‌پذیر است. یکی از مصادیق این تخفیف و اعمال حداقل مجازات، عدم تحقق احصان مرد یا زن می‌باشد. لیکن عدم اعمال مجازات رجم، صرفاً از باب تخفیف نیست، بلکه متحقق نبودن شرایط جرم زنا محصنه سبب تقلیل چنین عقوبتی خواهد بود. با وجود این، موضوع تحقیق حاضر بر این مسئله متمرکز است که مسافرت فرد متأهل با فراهم بودن شرایط لازم برای محصن یا محصنه دانستن شخص، به چه نحوی می‌تواند موجبات خروج زوجین از احصان را فراهم آورد. بر اساس نص صریح ماده ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی، یکی از موارد خروج زوجین از احصان، مسافرت ذکر شده است. با توجه به انجام تحقیقات و پژوهش‌های متعدد در خصوص موضوع احصان و عدم بسط مسئله احصان مسافر از منظر فقهی و حقوقی، این پژوهش و تحقیق سعی دارد این هدف کلی را تبیین نماید که آیا ملاک تحقق احصان مسافر صرفاً در سفر یا حضر بودن و یا غایب و زندان بودن فرد است و یا معیار و ملاک دیگری برای محصن یا غیر محصن بودن مرد یا زن لازم و ضروری است. و در صورت لزوم وجود چنین معیاری، آیا تمکن عرفی برای تحقق احصان مسافر کافی است یا خیر، بایستی دنبال قوانین مدون هم بود؟ و با فرض تمکن عرفی، چنانچه زوج یا زوجه متمکن از استمتاع نباشند، چه به خاطر سفر، حبس و یا علل دیگر و اعم از اینکه سفر او به حد مسافت شرعی رسیده باشد یا نه، احصان تحقق خواهد یافت یا خیر؟ و اگر یکی از زوجین به قصد فرار از تحقق احصان، به مسافرت رفته و مرتکب زنا شده باشد، مشمول موضوع ماده ۲۲۷ قانون مجازات خواهد بود؟ بر اساس فروض مختلف مطروحه، این مسئله اساسی مطرح می‌شود که با توجه به امکان بهره‌گیری از وسائل نقلیه مدرن نظیر هواپیما و قطار سریع‌السر و امثالهم جهت دسترسی سریع، آیا مسافرت و خروج از مسافت شرعی و یا مریضی همسر فی‌نفسه ملاک عدم تحقق احصان است یا معیار اصلی، صدق عرفی عدم تمکن است؟ تحقیق حاضر در صدد تحلیل و بررسی فقهی-حقوقی فروض مطروحه می‌باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

احسان در لغت به معنای مصونیت دادن و حفظ کردن (القزوینی الرازی، ۱۳۹۹ق: ۶۹) بوده و هم خانواده کلمه «حصن»، به معنای بنای مستحکم و غیرقابل نفوذ (یحیی بن شرف النووی، بی تا: ۶۶) یا جایگاه مرتفع (مصطفوی، بی تا: ۲۳۴)، (القیومی، بی تا: ۱۳۹) است. این واژه، در اصطلاح فقهی، در برخی موارد به معنای داشتن همسر بکار برده شده است. کاربرد واژه احسان به اعتبار داشتن همسر، تحت عنوان محصن و محصنه به هریک از مرد و زن، اطلاق می‌شود. زیرا فرض بر این است که زن و مرد با ازدواج، از گناهان بسیاری حفظ می‌شوند (فخر رازی، بی تا: ۳۹) گاهی نیز واژه احسان به معنای پاک‌دامنی در مرد یا زن است به طوری که اگر کسی با وجود این حالت، او را قذف کند، یعنی به او تهمت جنسی بزند، بر تهمت‌زننده حد جاری می‌شود. لذا به آن، احسان قذف گویند. گاهی نیز احسان به معنای حریت، اسلام و بلوغ است. اما به لحاظ خروج موضوعی، پرداختن به معانی دیگر احسان به فرصتی دیگر موقوف می‌شود.

۲. جایگاه احسان در مقررات کیفری

ارتکاب زنا در وضعیّت تأهل از اسباب تشدید مجازات شمرده شده و نهایتاً بر فرض ثبوت اتهام زنا و با حصول شرایط مقرر، ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات رجم را برای موارد مشابه پیش‌بینی نموده است. لیکن در صورت عدم امکان اجرای رجم، با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه، چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، مستوجب اعدام است و در غیر اینصورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد. نکته حائز اهمیت اینکه قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مصداق جدیدی به مصادیق تحقق احسان افزوده و در عمل شنیع لواط نیز احسان لاطی را موجب اعدام و در صورت عدم احسان برای لاطی صد ضربه شلاق تعیین نموده است.

۳. شرایط تحقق احصان

بر اساس ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی، «احصان در هر یک از مرد و زن به نحو زیر محقق می‌شود: احصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قبُل را با وی داشته باشد. احصان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قبُل را با شوهر داشته باشد».

ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «حدّ لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت، صد ضربه شلاق است. حدّ لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است». بنابراین، هر شرایطی که برای زانی و زانیه در مسئله احصان لازم است در مورد فرد لاطی^۱ نیز می‌تواند تحقق پیدا بکند. در همین راستا، موانع مذکور در ماده ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می‌گردد، مانند ایدز و سفلیس، زوجین را از احصان خارج می‌کند»، شامل شخص لاطی نیز بوده و استثنائات احصان شده می‌تواند برای خروج لاطی غیرمحصن از شمول مجازات مفروض مورد استناد قرار گیرد. بدین ترتیب، بخشی از این استثنا مذکور در ماده فوق، موضوع مورد بحث این مقاله بوده و نگارنده تلاش دارد به تبیین موضوع پردازد.

ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی، موارد اعدام را احصا نموده و تبصره‌های ماده یادشده، با ذکر مواردی نظیر اغفال، ربایش، تهدید، اکراه و عدم رضایت زانیه، حکم اعدام را پیش‌بینی نموده است. بر اساس ماده ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی: «حدّ زنا در مواردی که مرتکب غیرمحصن باشد، صد ضربه شلاق است». بنابراین مردی که دارای همسر دائمی (نه موقت) باشد و در زمانی که عاقل و بالغ است از جلو با او نزدیکی کرده باشد و همیشه نیز

۱. آنکه عمل غیرطبیعی کند. تازباز. غلام باره. مردافشار. (ر.ک: لغت نامه دهخدا).

امکان نزدیکی با او را داشته باشد، چنانچه مرتکب زنا شود، مطابق ماده مذکور به حد رجم محکوم خواهد شد. این حکم برای زن محصنه یعنی زنی با اوصاف و شرایط گفته شده نیز صدق می کند، لیکن در صورت عدم امکان اجرای رجم، با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه، چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد. با توجه به رویه قضایی حاکم و حذف مجازات سنگسار، اگر در دادگاه، شرایط احصان محرز باشد، حکم اعدام با توجه به شرایطی می بایست صادر شود. البته قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۲۷ موانع احصان را بیان نموده و شرایطی را ذکر می نماید که خروج از احصان محسوب می شود. بنابراین، در چنین مواردی، حکم رجم یا اعدام نباید صادر شود. لذا با توجه به مشخص شدن شرایط احصان، اگر در قانون مجازات اسلامی برای مرتکب زنا شلاق حدی در نظر گرفته شده باشد و شرایط احصان موجود نباشد، مرتکب به ۱۰۰ ضربه شلاق حدی محکوم خواهد شد.

لازم به ذکر است که ارتباط نامشروع و زنا در تعاریف، احکام، نتایج، آثار و مجازات ها بر حسب قبح عمل، کاملاً متفاوت بوده و این دو مفهوم، یکسان یا جزئی از هم نیستند. در تعریف جامعی از ارتباط نامشروع باید به ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی استناد نمود که مقرر می دارد: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد». در ارتباط نامشروع، مجرم از باب تعزیر به مجازات تعزیری محکوم می شود ولی در زنا، فرد از باب حدود، به ۱۰۰ ضربه شلاق حدی محکوم می شود. وجه تمایز مهم این است که در تعزیرات، قاضی رسیدگی کننده می تواند از اختیارات قانونی خود استفاده کند و مجازات را تخفیف داده یا تشدید نماید. لیکن در مورد مجازات حد زنا، با توجه به اینکه اعمال این مجازات از باب حدود الهی است، قاضی به هیچ وجه در تغییر و یا عدم اجرای حد مخیر نیست.

۴. ضابطه فقهی و حقوقی تحقق احسان

در بحث ضابطه فقهی و حقوقی احسان، ضمن بررسی ملاک تمکن عرفی، دلایل استنادی و ادله قائلین و همچنین نظریات فقها علی‌الخصوص دیدگاه فقهای معاصر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴-۱. برخورداری از تمکن عرفی

برخورداری از تمکن عرفی زوجین در دسترسی به یکدیگر در منابع و دیدگاه‌های فقهی و حقوقی به عنوان معیار و ضابطه اساسی تحقق احسان مورد تصریح قرار گرفته و در عرف قضایی و پرونده‌های کیفری مربوط نیز از جمله شاخص‌ترین معیارهای شمول یا عدم شمول حکم احسان زانی تلقی می‌شود. مبنای فقهی برخورداری از «تمکن عرفی» زوجین، در روایات صادقین (ع) انعکاس یافته است. در روایت اسماعیل بن جابر از امام باقر (ع) آمده است: به امام باقر (ع) عرض کردم: رحمت خدا بر شما باد، محصن چه کسی است؟ فرمودند: کسی که صبح و شام زنی در دسترس او باشد پس او محصن محسوب می‌شود. مطابق این روایت، ضابطه تحقق احسان در دسترس بودن زوجه یعنی «يَعْدُو عَلَيْهِ وَ يَرُوحُ» است که مورد استناد فقهای عظام بوده و هست (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۹)؛ (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۴)؛ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۵۲)؛ (مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۶). استنباط فقها از روایت فوق بویژه عبارت معروف «یغدو علیها و یروح» متفاوت است. گروهی به مطلق تمکن از دسترسی و ظاهر این روایت اکتفا کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۷۱)؛ (قاضی، ۱۴۰۶: ۵۱۹)؛ (طبرسی، ۱۴۱۰: ۳۸۷)؛ (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۳۰۶)؛ (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۳۷)؛ (امام خمینی، بی‌تا: ۴۵۸). مرحوم شیخ طوسی می‌نویسد: «احسان ثابت نمی‌شود مگر اینکه صبح و شام زنی در اختیار مرد بوده و متمکن از وطی آن باشد (...). و زمانی که متمکن از آن نباشد، محصن نخواهد بود» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۷۱).

گروه دیگری از جمله اکثریت فقهای معاصر نیز عرف را مبنا و ملاک تمکن از دسترسی دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۶۹)؛ (خوانساری، ۱۴۰۵: ۹)؛ (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۸۶)؛ (تبریزی، ۱۴۱۷: ۳۵)؛ (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۵۷)؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۸۹)، به طوری

که برخی فقها از جمله آیت الله خوئی (ره) در مبانی تکمله، در اینکه ملاک در تحقق احصان تمکن عرفی است، ادعای اجماع نموده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۰). به نظر می‌رسد مراد از «یغذو علیها و یروح»، امکان دسترسی لحظه به لحظه نیست تا به بهانه عدم دسترسی در هر زمان، تحقق جرم احصان عملاً محال باشد. بلکه از عبارات فقها استفاده می‌شود که ملاک در تحقق زنا محصن، برخورداری از تمکن عرفی است و زمان و مکان در آن موضوعیتی ندارد. با این توضیح که غیبت زوج و زوجه از یکدیگر زمانی می‌تواند مانع از احصان زانی یا زانیه شود که عرفاً هر یک از زوج یا زوجه در صورت نیاز نتوانند نسبت به یکدیگر دسترسی داشته باشند. بر همین اساس، وجود فاصله زمانی و مکانی خاص در تحقق احصان و عدم آن، تعیین کننده نخواهد بود.

۴-۲. دلیل قائلین به تمکن عرفی در تحقق احصان مسافر

در اینکه ملاک تحقق احصان تمکن عرفی است، در متون فقهی به روایات مختلفی استناد شده که جهت اختصار تنها به برخی موارد اشاره می‌شود. اسماعیل بن جابر نقل می‌کند: به امام باقر علیه السلام عرض کردم رحمت خدا بر تو باد محصن چه کسی است؟ فرمودند: مردی که صبح و شام زنی را در اختیار دارد او محصن است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸ و ۶۸). در روایت دیگری حارث بن مغیره می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره مردی که همسری در عراق دارد و در حجاز زنا کرده است، پرسیدم، ایشان فرمود: حدّ زناکار یعنی صد تازیانه بر وی زده می‌شود ولی سنگسار نمی‌شود. پرسیدم: اگر این مرد با همسرش در یک شهر باشد و مرد در زندان محبوس بوده و نتواند از زندان بیرون آید و نزد همسرش برود، چنانچه در زندان زنا کند، نظر مبارک شما چیست؟ حضرت فرمود: این مرد به منزله غایب از همسرش بوده، صد تازیانه می‌خورد» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۷۸). از امام باقر (ع) نقل شده که فرمودند: «امیرالمؤمنین علی (ع) درباره مردی که همسری در بصره داشت ولی در کوفه زنا کرده بود، امر فرمودند که رجم از او رفع و حدّ زنا بر وی زده شود. امام باقر (ع) فرمود: و نیز امیرالمؤمنین (ع) درباره مردی که در زندان محبوس بود و همسری در همان شهر در خانه داشت اما نمی‌توانست بدان دسترسی داشته باشد و در زندان زنا کرده بود، حکم داد که وی

تازیا نه می خورد و رجم از وی رفع می شود». همچنین کلینی در کافی نقل می کند: «حریر می گوید: از امام صادق (ع) در مورد مرد محصن سؤال کردم، امام (ع) فرمودند: آن مردی است که زنا کند و نزدش زنی باشد که او را بی نیاز سازد»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۷۹).

۳-۴. بررسی ادله استنادی

بر اساس آنچه در مبانی تکمله المنهاج در خصوص تأثیر مسافت شرعی در احصان زانی آمده است،^۲ باید از روایات فوق، به جهت اینکه مخالف اجماع و تسالم فقها و روایات قبلی هستند دست برداشت، آنهم با توجه به اینکه فهم عرفی از روایات متقدم^۳ این است که ملاک در تحقق احصان و عدم آن عبارت از تمکن از استمتاع و عدم تمکن از آن می باشد (موسوی خوئی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱).

صاحب مدارک الاحکام نیز با اشاره به جمله «یغدو و یروح» که در متن برخی روایات از جمله روایت اسماعیل بن جابر وارد شده می نویسد: «قطعاً امکان ندارد به اینکه یغدو و یروح به مباشرت فعلیه در اول صبح و اول شب حمل شود، پس باید حمل بر تمکن شود نه فعلیت، و در صورت عدم امکان جمع عرفی (بین یغدو و یروح و تمکن) بعید نیست که به عموم آیه مبارکه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي» رجوع شود (خوانساری، ۱۴۰۵: ۹). با این بیان در صورت عدم تمکن عرفی، مسئله از شمول حکم احصان خارج شده و طبق عموم آیه دوم سوره مبارکه نور باید برای هر کدام از زانی و زانیه حدّ جلد جاری نمود. بنابراین، اگر منظور از «یغدو علیها و یروح» و تقييدات دیگری مانند «عنده و معه» که در برخی روایات وارد شده «التمکن متی شاء» باشد، همچنان که گروهی از فقها به ظاهر به همین معنی اکتفا کرده اند، لازمه آن، معیت واقعی و حضور فیزیکی و دائمی و لحظه به لحظه زوج و زوجه در کنار هم می باشد. لیکن اقتضای چنین فرضی، محال عرفی تحقق احصان را به دنبال خواهد داشت.

۱. عَنْ حَرِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمُحْصَنِ قَالَ فَقَالَ الَّذِي يَزْنِي وَعِنْدَهُ مَا يُغْنِيهِ.

۲. «فإنّ المتفاهم العرفی منها أن تكون زوجته أو أمته عنده، و لو لم یغدو علیها فی بعض الأحيان، کمن کان مشغلاً بعمل فی مکان لا یصل إلی أهله فی بعض الأحيان فی شیء من طرفی النهار، مع تمکنه من الوصول إلیها عرفاً».

۳. روایات نقل شده از طریق: اسماعیل بن جابر، حارث بن مغیره و روایت حریر.

آیت الله فاضل لنکرانی (ره) با اشاره به دیدگاه مزبور می نویسد: «ظاهراً مراد از «التمکن متی شاء»، تمکن در جمیع آنات و لحظات نیست، به طوری که هر موقع اراده و طی نمود بلافاصله تحقق یابد، بلکه منظور از «التمکن متی شاء» عبارت است از تمکن عرفی که در تحقق آن فاصله یک ساعت یا دو ساعت ضرر نمی زند، در غیر این صورت جز در موارد نادر، احصان تحقق نخواهد یافت» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۵۷)؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۸۹).

آیت الله موسوی اردبیلی با اشاره به ملاک «تمکن متی شاء و اراد» که در تبیین معنای «یغذو علیها و یروح» در متون فقهی مورد توجه فقها قرار گرفته، می نویسد: «با عنایت به روایات مذکور و دیدگاه فقها، ملاک در احصان زوج، عبارت است از تمکن از استمتاع داشتن هر زمان که بخواهد و اراده کند، آنگونه که عرف آن را نسبت به او روا می داند و مراد از «معیت و عندیت» این نیست که هر کجا رفت، همسر خود را نیز با خودش ببرد، حتی اگر بازار و محل کار باشد. بنابراین، خصوصیتی بر غیبت زوج از زوجه و بالعکس نیست، مثلاً قهر زوجین از یکدیگر و اقامت زوجه در منزل پدری. مضاف بر آن، صرف اقامت در یک شهر بطوری که دسترسی به زوجه خود نداشته باشد نیز خصوصیتی نخواهد داشت. پس ملاک واقعی این است که به حسب عرف، زوج به زوجه خود دسترسی داشته باشد و زوجه در اختیار او باشد اگر چه مسافر باشد و سفر او به حد مسافت شرعی رسیده باشد». (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق: ۲۱۵)؛ (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق: ۸۶). شاید این مسئله در عصر ما ملموس تر باشد، چراکه افراد زیادی برای انجام کار صبح اول وقت از خانواده خود جدا شده و در اداره و یا کارخانه اطراف شهرها تا غروب مشغول کار می شوند. لذا اگر «معیت» ملاک باشد، عملاً زنای محصن تحقق خارجی نخواهد یافت.

از مضمون روایات فوق و دیدگاه‌های صریح و ضمنی فقها، می توان استنباط نمود که مطلق حضور یا غیبت زوجین، به تنهایی ملاک مستقلی برای محصن یا غیر محصن بودن مرد یا زن محسوب نمی شود، بلکه مهم ترین معیار و ملاک تحقق احصان، تمکن عرفی استمتاع در هر زمانی است که زوجین بخواهند و اراده کنند. فتوای امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله

مبیین واضح حکم این مسئله است.^۱ آیات عظام فاضل لنکرانی و مؤمن قمی، در ارائه دیدگاه خود بر مبنای تحریر الوسیله بر ملاک بودن تمکن عرفی تصریح نموده‌اند، بدون اینکه ایراد خاصی بر نظر ایشان داشته باشند (مؤمن قمی، ۱۴۲۲: ۵۸).^۲ بر این اساس، می‌توان استنباط نمود که مقصود امام (ره) همانند دیگر فقهای معاصر، همان تمکن عرفی است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۵۷). بنابراین، در صورتی که زوج یا زوجه متمکن از استمتاع نباشند چه به خاطر سفر، یا حبس و یا علل دیگر، اعم از اینکه سفر او به حد مسافت شرعی رسیده باشد یا نه، احصان تحقق نخواهد یافت. همچنانکه اگر زوج یا زوجه متمکن از استمتاع باشند، در سفر بودن و به حد مسافت شرعی رسیدن، تأثیری در تحقق احصان نخواهد داشت.

آیت الله بهجت در پاسخ به این سؤال که آیا زانی در موارد زیر مستوجب رجم می‌باشد، قائل به تفکیک شده و حکم مسئله را در فروض مختلف بیان نموده است: فرض اول زمانی است که زانی به قصد فرار از تحقق احصان، به مسافرت رفته و مرتکب زنا شده است. و در فرض دوم، زانی در شرایطی مرتکب زنا شده که همسر وی (زن یا شوهر) به علت بیماری، توان جماع نداشته ولو اینکه سایر استمتاع‌ها ممکن بوده باشد. ایشان می‌فرماید: میزان، تمکن و عدم تمکن از وطی زوجه است. گاهی هم مبنای و میزان، مبتنی بر صدق عرفی عدم تمکن است که تشخیص موضوعی آن با صادر کننده حکم است و در صورت شک، حکم به عدم احصان می‌شود، مشروط بر آنکه تمکن شرط آن باشد نه عدم تمکن مانع آن. همچنین، ملاحظه تناسب در تمکن در زوج یا زوجه لازم است (گنجینه استفتانات قضایی، سؤال ۱۲۵). آیت الله موسوی اردبیلی نیز در پاسخ سؤالات فوق می‌نویسند: «مناطق در احصان، امکان

۱. أن يكون متمكنا من وطء الفرج يغدو عليه و يروح إذا شاء فلو كان بعيدا و غائبا لا يتمكن من وطئها فهو غير محصن ... (امام خمینی، بی تا: ۴۵۸/۲).

۲. «ثم إن ظاهر المتن دوران صدق الإحصان مدار أن لا يتمكن بالغيبه من زوجته، و لازمه أنه لو سافر دون حد التقصير و لم يتمكن لأجل بعض الحوادث أن يرجع إلى أهله فهو غير محصن، كما أنه لو سافر أكثر من حد التقصير و تمکن من الرجوع إليها، كما يتمكن الناس منه في بلادهم كما في أمثال زماننا حيث يتمكن الإنسان من الرجوع إلى أهله بالسيارات و سائر الوسائل التجارية و غيرها الحديثه و المتعارفة فإنه يصدق عليه أن له فرجا يغدو عليه و يروح، و أن له ما يغنيه عن الزنا، كما يغني زوجة الرجال القاطنين في بلادهم».

دسترسی به زوجۀ خودش است. بنابراین، در صورتی که عرفاً دسترسی نداشته باشد، محصن نیست». (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۵۷).

توجه به متن سؤال و پاسخی که ارائه شده نشان می‌دهد که مسافرت یا مریضی همسر، فی نفسه ملاک تحقق احصان نیست، بلکه معیار اصلی، صدق عرفی عدم تمکن است. اما اینکه آیا امکان بهره‌گیری از وسایل نقلیه مدرن جهت دسترسی سریع در تحقق تمکن عرفی مؤثر است یا نه، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. از فتوا و اظهار نظر آیت‌الله گلپایگانی استفاده می‌شود که ملاک، تمکن طبیعی عرفی است بطوری که وجود ابزار و وسایل تسهیل‌کننده سفر موجب تمکن عرفی نمی‌شود (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۸۶).^۱ گروه دیگری از فقها نیز مصادیق تمکن عرفی را وسیع گرفته و معتقدند تمکن عرفی نسبت به افراد ممکن است متفاوت باشد. آیت‌الله فاضل لنکرانی در تفصیل الشریعه (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۵۷)، آیت‌الله موسوی اردبیلی در فقه الحدود و التعزیرات (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق: ۲۱۵) و صاحب الفوائد و برخی دیگر از فقها معتقدند: کسانی که امکانات و وسائلی مانند هواپیما، ماشین و امثال آنها را در اختیار دارند و می‌توانند در کمترین فرصت خود را به مقصد برسانند، دارای تمکن عرفی می‌باشند. این نکته را می‌توان از عبارت مهذب الاحکام مرحوم سبزواری نیز استنباط نمود. در متن مهذب الاحکام آمده است: «در تحقق احصان ملاک توانایی فعلی (زوج) بر وطی است چه حاضر باشد و چه مسافر».^۲ (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۴۴).

به نظر می‌رسد سازگاری دیدگاه دوم با تمکن عرفی بیشتر است تا دیدگاه اول، چرا که وجود تمکن عرفی با عنایت به امکانات موجود مانند ماشین سواری شخصی و یا عمومی برای قریب به اتفاق مردم ممکن و متعارف محسوب می‌شود، بطوری که امروزه با استفاده از وسایل و امکانات متعارف حمل و نقل جاده‌ای، با صرف نظر از امکاناتی مثل هواپیما که

۱. آیت‌الله موسوی گلپایگانی در متن کتاب الذم المنضود فی احکام الحدود، می‌نویسد: «و ذلك لأن المراد هو التمکن الطبیعی العرفی و من كان فی بلد آخر فهو غیر متمکن عرفاً و ان كانت له وسائل و امکانات يتمکن معها من العود الی موطنه حیثما شاء».

۲. المناطق فی تحقق الإحصان القدرة الفعلیة علی الوطی سواء كان حاضراً أم مسافراً.

استفاده از آن برای هر کسی و یا در زمان مورد نیاز میسر نیست، طی مسافت شرعی تنها در چند دقیقه و کوتاه‌ترین فرصت مقدور می‌باشد (مؤمن قمی، ۱۴۲۲: ۵۸). بر همین اساس، آیت الله مکارم شیرازی مجرد غیبت یک ساعته و چند ساعته و یک روز یا دو روز را مانع از صدق عنوان احصان نمی‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۸۶). حتی اگر معنای لفظی عبارت «یغذو علیه و یروح» را نیز که در منابع روایی و دیدگاه‌های فقهی مورد عنایت قرار گرفته، معیار قرار دهیم، فاصله دو یا سه ساعته را نمی‌توان مانع تحقق احصان دانست. چون فاصله صبح و شب خیلی بیش از اینها است.

آنچه قانونگذار در ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی در مفهوم احصان مقرر نموده به نوعی مؤید دیدگاه وجود تمکن عرفی است. بطوری که در ماده فوق آمده است: «احصان در هر یک از مرد و زن به نحو زیر محقق می‌شود: الف- احصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبیل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قبیل را با وی داشته باشد. ب- احصان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قبیل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قبیل را با شوهر داشته باشد».

در همین راستا، رویکرد فوق در رویه دیوان عالی کشور نیز جریان داشته و در تبیین مواد ۸۳ و ۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، که در قانون جدید ماده ۲۲۶ جایگزین آنها شده، در مورد تحقق احصان در بررسی پرونده ارجاعی به دیوان آمده است: «نظر به اینکه تحقق احصان مشروط به شرایطی است که در فصل سوم قانون مجازات اسلامی به ویژه مواد ۸۳ و ۸۶ آن قانون بیان شده است و خانم شاهگل در دفاع از خود، عدم توانایی جنسی همسر خود را مطرح کرده است که مدارک موجود در پرونده نیز مؤید آن می‌باشد، لهذا اعتراض محکوم علیها نسبت به عدم تحقق شرایط احصان وارد به نظر می‌رسد. بنا به مراتب به استناد بند ج ماده ۲۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اسلامی، دادنامه شماره ۱۷۳۱-۱۳۷۶/۹/۲۹ شعبه دوم دادگاه عمومی سنندج مبنی بر محکومیت بانو شاهگل به رجم به عنوان

حدّ زناى محصنه به اکثریت آراء هیأت، نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه همعرض از دادگاه‌های عمومی سندج محول می‌گردد»^۱.

یکی از نویسندگان با بیان اینکه در تعریف احصان در ماده ۲۲۶ عبارت «امکان جماع از طریق قبّل» دارای ابهام است، می‌نویسد: «امکان گاهی به معنای امکان مادّی و خارجی است مانند اینکه دستگاه تناسلی زن مورد جراحی قرار گرفته و امکان نزدیکی وجود نداشته باشد و گاهی به معنای امکان قانونی و شرعی است مانند اینکه زن در حال حیض یا نفاس بوده و شرعاً امکان نزدیکی با وی وجود نداشته باشد، اطلاق قانون شامل هر دو حالت می‌شود و تفسیر قانون به نفع متّهم و مفادّ قاعده در این اطلاق را تأیید می‌کند (...). زیرا احصان زمانی بوجود می‌آید که امکان استمتاع و تلذذ کامل از زن فراهم باشد» (زراعت، ۱۳۹۳: ۲۰۹). در واقع، بر اساس ضوابط و معیارهای عرف است که می‌توان موارد تحقّق احصان یا عدم تحقّق آن را شناسایی کرد و امکان فراهم شدن زمینه «یغذو علیه و یروح» را ارزیابی نمود.

نکته دیگر اینکه «در این تعریف از احصان زن و مرد دو تفاوت مشهود است. نخست آنکه در تحقّق احصان زن (برخلاف مرد) به لزوم بالغ بودن شوهر هنگام نزدیکی با وی اشاره نشده است و دوم آنکه در تحقّق احصان زن امکان جماع با شوهر کافی دانسته شده و این امکان جماع (برخلاف مرد)، به «هر وقت بخواهد» مقید نشده است؛ دلیل این امر آن است که در روابط زوجین، قانوناً حقّ مطلق مقاربت از حقوق زوج محسوب می‌شود نه زوجه (ساریخانی، ۱۳۹۶: ۸۴). این نکته نیز مغایر با ضابطه عرفی در تحقّق احصان نیست چراکه برخوردارى از حقّ مطلق در زناشویی یا عدم اطلاق چنین حقّی مانع از ملاک قرار دادن ضابطه عرفی نیست و امکان دسترسى در هر شرایط زمانى و مکانى همچنان وجاهت فقهی و حقوقی خود را حفظ می‌نماید.

۱. رأی اصراری کیفری دیوان عالی کشور، شماره ۱۵، مورخ ۱۹/۸/۱۳۷۷.

۵. اعتبار حدّ ترخّص در تحقّق احصان مسافر

بر خلاف تصوّر عموم، مسافت شرعی غیر از حدّ ترخّص بوده و با آن متفاوت است. مسافت شرعی به حداقل هشت فرسخ شرعی معادل حدود ۴۵ کیلومتر مسافت اطلاق می‌شود در حالی که حدّ ترخّص مسافتی است که مسافر باید از آن مسافت به بعد، نمازش را شکسته بخواند و در صورت سفر قبل از اذان ظهر می‌تواند روزه خود را افطار کند. بر اساس احادیث، این نقطه جایی است که اذان شهر شنیده نشود یا دیوارهای آن دیده نشود. معیار و ملاک فقها در دیده شدن یا نشدن دیوارها، ساختمان‌های معمولی در زمینی هموار است. البته با ایجاد و توسعه شهرهای بزرگ و پخش اذان از رسانه‌ها، تعیین حدّ ترخّص با وصف مذکور جای تأمل دارد لیکن برخی از فقها اعتقاد دارند که در شهرهای بزرگ، دیده شدن آخرین دیوارهای محله، حدّ ترخّص شرعی محسوب می‌شود.

در خصوص بحث مسافت شرعی در باب تحقّق احصان مسافر، در روایتی از عبد الرحمن بن حماد از عمر بن یزید، چنین آمده است: «به امام صادق (ع) عرض کردم: برایم بفرمایید مردی که از خانواده‌اش دور است و زنا می‌کند، آیا در صورتی که همسری دارد ولی از همسرش دور است، رجم می‌شود؟ حضرت فرمود: مردی که از خانواده‌اش دور است و نیز مردی که زنی در اختیار دارد ولی هنوز با وی آمیزش نکرده است و نیز مردی که زن متعه دارد، رجم نمی‌شود. پرسیدم: مقدار مسافتی که مرد محصن نمی‌شود چیست؟ امام (ع) فرمودند: آن زمان که نمازش را شکسته و روزه‌اش را افطار کند، دیگر محصن نیست» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸). همچنین، در مرفوعه محمد بن حسین آمده است: «راوی از امام علیه السلام پرسید: «مقدار مسافتی که اگر مرد محصن زنا کند رجم نمی‌شود، چیست؟ حضرت فرمود: آن زمان که نمازش شکسته باشد و روزه‌اش را افطار کند.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۷۴). اعتبار این دو روایت که فاصله مسافت شرعی را ملاک تحقّق احصان دانسته و مورد استناد نوادر فقها از جمله فخر المحققین قرار گرفته است، مورد نقد قریب به اتفاق فقها قرار گرفته و آن را به دلیل مجهول بودن سند، از جمله عدم توثیق عبدالرحمن بن حماد و مرفوعه بودن

۱. قَالَ: الْحَدُّ فِي السَّفَرِ - الَّذِي إِذَا زَنَى لَمْ يُرْجَمَ إِذَا كَانَ مُحْصَنًا - قَالَ إِذَا فَصَرَ فَأَقْطَرَ.

روایت دوّم، قابل استناد ندانسته‌اند (فخر المحققین حلی، ۱۳۸۷ق: ۴۸۱)؛ (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۱۳۷)؛ (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ۴۵۳)؛ (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۷) و (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷۴)؛ (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۴۴)؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۸۹).^۱ و گروهی دیگر از جمله آیت الله خوئی (ره) معتقدند: «روایت صحیح بوده و متروک ماندن روایت فوق نه به خاطر عدم توثیق عبدالرحمن بن حماد بلکه به جهت معارض بودن این دو گروه از روایات و شاذ بودن روایت عبدالرحمن در برابر شهرت روایات دیگری مانند «یغدو و یروح» می‌باشد. چون عبدالرحمن بن حماد از جمله روات کامل الزیارات محسوب می‌شود که نشانه وثاقت او است (موسوی خوئی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱).

ملاک بودن مسافت شرعی برای تحقّق احصان، علاوه بر اینکه مغایر با ظهور و محتوای روایات مشهور در این باب است، با اقتضای تمکّن عرفی که طبق قول مشهور، معیار مصداق شناختی احصان است، نیز سازگار به نظر نمی‌رسد. بر همین اساس، رأی شماره ۵۸-۷۱/۲/۰۹ شعبه دوّم دیوان عالی کشور که مسافت چهار فرسخ را مسافت خروج از احصان دانسته است، قابل دفاع نبوده و بر اساس آنچه از دیدگاه‌های فقهی آیات عظام فاضل لنکرانی و مؤمن قمی از نظرات فقهی امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله متذکر گردید، نسبت دادن این معیار به امام خمینی (ره) نیز در واقع تحمیل نظر سائل بر فتوای امام (ره) می‌باشد. چرا که سؤال مطروحه سه یا چهار شاخه دارد و پاسخ امام (ره) کلی است و فاصله چهار فرسخی، موضوعیّتی در فتوای ایشان ندارد. همچنانکه در متن تحریر الوسیله عبارت امام (ره) اطلاق دارد^۲ (خمینی، بی تا: ۴۵۸). و آیات عظام فاضل لنکرانی و مؤمن قمی آن را بر تمکّن عرفی حمل کرده‌اند. حال اگر شخصی با اتومبیل یا هواپیما، مثلاً چهار فرسخ یا بیشتر، از همسرش دور شد و زنا کرد، که عرفاً صادق است، تمکّن از وطی دارد؟ آیا زنايش محصن است یا

۱. در عبارت آیت الله مکارم شیرازی آمده است: هذا و لكن الاول منهما ضعيف بجهالة بعض رواياتها و هو عبد الرحمن بن حماد، و الثاني مرفوعة موقوفة كما هو ظاهر فلا يكون احدهما بحجة. مضافاً الى ان الاصحاب تركوا العمل بهما كما صرح به في الشرائع و الشهيد و فخر المحققين و غيرهم، ...

۲. أن يكون متمكنا من وطء الفرج يغدو عليه و يروح إذا شاء فلو كان بعيدا و غائبا لا يتمكّن من وطئها فهو غير محصن.

نه؟ خلاصه آیا تمکن عرفی مراد است یا شرعاً حدی دارد؟ طبق نظر امام خمینی (ره)، این مورد، حکم احسان ندارد» (کریمی، ۱۳۶۸: ۱۶۹).

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به استعلام شماره ۷/۹۸/۱۳ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۲ موضوع پرونده شماره ۱۳-۱۸۶/۱-۹۸ ک مک مبنی بر اینکه ماده ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی به مدت مسافرت و حبس تصریحی ندارد، مسافرت یا حبس تا چه مدت باید طول بکشد تا موجب خروج از احسان گردد؟ بدین نحو است: عبارت «هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قبل را با وی داشته باشد» مندرج در ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، معیار تشخیص معاذیری است که طبق ماده ۲۲۷ قانون پیش گفته، فرد را از احسان خارج می کند. تشخیص خروج از احسان به واسطه مسافرت یا حبس با لحاظ عرف (ضابطه نوعی) و بر اساس وضعیّت و شخصیت متهم به زنا، محصنه از حیث جوانی، نیاز به همسر و مانند آن (ضابطه شخصی) تعیین می شود و احراز آن به نحو موردی و با توجه به محتویات پرونده با قاضی است». از سوی دیگر، نظریه شماره ۷/۱۱۶۵ مورخ ۲۲/۲/۱۳۶۶ اداره حقوقی قوه قضائیه در بحث حدود و قصاص، که مطلق مسافرت را موجب خروج از احسان دانسته است، بدون تقيید به تمکن عرفی به عنوان معیار و ملاک مورد نظر مشهور فقها قابل دفاع نخواهد بود.

نتیجه

با وجود تعیین مجازات رجم در فقه جزایی اسلام و قانون مجازات اسلامی ایران برای زانی و زانیه محصن و محصنه، وجود شرایطی از جمله مسافرت موجبات خروج مرتکب زنا از احسان را فراهم می کنند، لیکن عدم اعمال چنین مجازاتی در چارچوب تخفیف قرار نمی گیرد، بلکه فراهم نبودن شرایط تحقق جرم زنا، محصنه، سبب تقلیل عقوبت خواهد بود. همچنین، درج کلمه «مسافرت» در ماده ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی، دارای اطلاق بوده و مطلق سفر را شامل می شود، لیکن به دلالت روایات متضافره، معیار تحقق احسان، برخورداری از تمکن عرفی است و نزدیک بودن، دور بودن و در سفر و حضر بودن موضوعیّت نداشته و تعیین کننده نخواهد بود. پر واضح است کسی که صدها یا هزاران

کیلومتر از همسر خود فاصله دارد، مضمول تمکن عرفی برای دسترسی نخواهد بود و بر اساس دیدگاه‌های فقها، مهمترین معیار و ملاک عبارت است از تمکن عرفی داشتن از استمتاع، هر زمان که بخواهد و اراده کند. از طرف دیگر، ملاک بودن مسافت شرعی برای تحقق احصان، علاوه بر اینکه با ظهور و محتوای روایات مشهور در این باب مغایر است، با اقتضای تمکن عرفی به عنوان معیار مصداق شناختی احصان مسافر، سازگار به نظر نمی‌رسد.

Abdolreza Lotfi  <http://orcid.org/0009-0006-6908-1402>

Reza Dehghanian  <http://orcid.org/0009-0002-2321-9542>

منابع

الف) فارسی

- جهانگیر، منصور، (۱۳۹۵)، *قانون مجازات اسلامی*، تهران، انتشارات دیدار.
- زراعت، عباس، (۱۳۹۳)، *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی*، (حدود)، تهران، نشر جنگل.
- ساریخانی، عادل، (۱۳۹۶)، «فلسفه احصان در جرایم جنسی مستوجب حد با محوریت قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۳۹۶، شماره ۴۸.
- کریمی، حسین، (۱۳۶۵)، *موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، جلد اول، چاپ اول، قم، انتشارات شکوری.
- مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا، *گنجینه استفتائات قضایی*، قم، سؤال ۱۲۵.

ب) عربی

- اصفهانی، شیخ محمد (معروف به فاضل هندی)، (۱۴۱۶ق)، *كشف اللثام والإيهام عن قواعد الأحكام*؛ جلد ۱۰، قم، انتشارات مؤسسه نشر اسلامی.
- تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۱۷ق)، *أسس الحدود و التعزیرات*، چاپ اول، قم، نشر دفتر مؤلف.
- حرّ عاملی، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، جلد ۲۸، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه آل البيت.
- حسینی عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج، (۱۴۱۶ق)، *کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد*، جلد ۳، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- خمینی، سید روح الله، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، چاپ اول، جلد ۲، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- خوانساری، سید احمد، (۱۴۰۵ق)، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، جلد ۷، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

خویی، سید ابو القاسم، (۱۴۲۲ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۴۱، چاپ اول، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.

سید عبد الأعلى سیزواری، (۱۴۱۳ق)، *مهذب الأحكام*، جلد ۲، چاپ چهارم، قم، انتشارات مؤسسه المنار.

شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *الخلافة*، جلد ۵، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، جلد ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، امین الإسلام، (۱۴۱۰ق)، *المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف*، جلد ۲، چاپ اول، مشهد: انتشارات مجمع البحوث الإسلامية.

عاملی، زین الدین بن علی، شهید ثانی، (۱۴۱۳ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، جلد ۱۴، قم، انتشارات مؤسسه معارف اسلامی.

علامه حلّی، (۱۳۸۷هـ)، *إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، جلد ۴، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان.

علامه حلّی، (۱۴۲۰ق)، *تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیه*، جلد ۵، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق (ع).

فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۲۲ق)، *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود*، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمة اطهار.

فخر المحققین حلّی، محمد بن حسن بن یوسف، (۱۳۸۷ق)، *إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، جلد ۴، چاپ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

فخر رازی، محمد بن عمر بن حسن بن حسین رازی، (۱۴۲۰ق)، *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*، جلد ۱۰، لبنان، انتشارات دار احیا التراث العربی بیروت.

فیض کاشانی، محمد حسن (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۵.

فیومی، ابو العباس، (۱۳۷۲)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، نشر دارالهجره.

قاضی، ابن براج، المهدب، (۱۴۰۶ق)، جلد ۲، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

القزوينی الرازی، احمد بن فارس بن زکریا، (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغه، به تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات الاعلام الاسلامی.

قمی، محمد مؤمن، (۱۴۲۲ق)، مبانی تحریر الوسیله - کتاب الحدود، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

کلینی، (۱۴۰۷)، الکافی، جلد ۷، چاپ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
محقق حلّی، نجم الدین، (۱۴۱۲ق)، نکت النهایه، جلد ۳، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

محقق حلّی، نجم الدین (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ج ۴، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

محقق، محمد باقر، (۱۳۹۱)، دائره الفرائد در فرهنگ قرآن، جلد ۶، تهران، نشر بعثت.
مصطفوی، حسن، (۱۴۲۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۸ق)، أنوار الفقاهه - کتاب الحدود و التعزیرات، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی (ع).

موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم، (۱۴۲۷ق)، فقه الحدود و التعزیرات، جلد اول، چاپ ۲، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید.

موسوی خویی، سید ابو القاسم، (۱۴۲۲ق)، مبانی تکمله المنهاج، جلد ۴۱، چاپ اول، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.

موسوی سبزواری، سید عبد الأعلى، (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، مؤسسه المنار، جلد ۲۷، چاپ ۴، قم، دفتر آیه الله سبزواری.

موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۴۱۲ق)، الدر المنضود فی أحكام الحدود، جلد اول، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم.

نجفی، شیخ محمد حسن (صاحب جواهر)، (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، به تحقیق عباس قوچانی، علی آخوندی؛ محمود قوچانی و رضا استادی، جلد ۴۱، تهران، جامعه مدرسین قم.

یحیی بن شرف النووی، ابو زکریا محیی الدین، (بی تا)، *تهذیب الأسماء واللغات*، جلد اول، دمشق، نشر دار الفیحاء، دار المنهل ناشرون.

پ) انگلیسی

Al-Fayoumi, Abu al-Abbas, (1372). *Al-Masbah al-Munir in Gharib al-Sharh al-Kabir*, Qom: Dar al-Hijra Publishing House. [In Arabic]

Al-Qazwini al-Razi, Ahmad bin Faris bin Zakaria, (1399 AH). *The Dictionary of Magahis Al-Lagheh, researched and recorded by Abdus Salam Mohammad Haroun*, Qom: Al-Alam al-Islami Publications. [In Arabic]

Allameh Hali, (1387 AH). *Explanation of the benefits in the explanation of the problems of the rules*, Volume 4, first edition, Qom: Ismailian Institute Publishing. [In Arabic]

Allameh Hali, (1420 AH). *Tahrir al-Ahkam al-Sharia on the Imamate religion*, Volume 5, first edition, Qom: Publications of Imam Sadiq Institute (A.S.). [In Arabic]

Ameli, Zain al-Din bin Ali, the second martyr, (1413 AH). *Masalak al-Afham to the revision of Sharia al-Islam*, volume 14, Qom: Publications of the Institute of Islamic Education. [In Arabic]

Esfahani, Sheikh Muhammad (known as Fazel Handi), (1416 AH). *Discovering the hiddenness and ambiguity of the rules of al-Ahkam*; Volume 10, Qom: Publications of the Islamic Publishing House. [In Arabic]

Faiz Kashani, Mohammad Hassan (1406 AH). *Al-Wafi*, Isfahan, Library of Imam Amir al-Mu'minin, peace be upon him, Volume: 15 [In Arabic]

Fakhr al-Muhaqqin Hali, Muhammad bin Hasan bin Yusuf, (1387 AH). *Explanation of the benefits in the explanation of the problems of al-Qasas*, Volume 4, first edition, Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]

- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar bin Hasan bin Hossein Razi, (1420 AH). *Tafsir Kabir (Mufatih al-Ghaib)*, Volume 10, Lebanon: Ihya al-Trath al-Arabi Publishing House, Beirut. [In Arabic]
- Fazel Lankarani, Muhammad, (1422 AH). *Details of the Shari'ah in Sharh Tahrir Al-Wasilah - Al-Hudud*, first edition, Qom, the center of jurisprudence of the Imams of Athar. [In Arabic]
- Harr Aamili, (1409 AH). *Al-Shia's tools*, Volume 28, first edition, Qom: Al-Al-Bayt Publishing House. [In Arabic]
- Hosseini Omeidi, Seyed Omid al-Din bin Muhammad Araj, (1416 AH). *Kanz al-Fawadi fi solving problems of al-Qasas*, Volume 3, first edition, Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Jahangir, Mansour, (2015), *Islamic Penal Code*, Tehran: Didar Publications. [In Persia]
- Karimi, Hossein, (1365). *Judicial standards from the perspective of Imam Khomeini (RA)*, first volume, first edition, Qom: Shakuri Publications. [In Persia]
- Khansari, Seyed Ahmad, (1405 AH). *Jami al-Madarak fi Sharh Khazrat al-Nafi*, volume 7, second edition, Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
- Khoi, Seyed Abu al-Qasim, (1422 AH). *Basics of the Compendium of Al-Manhaj*, vol. 41, first edition, Qom: Ihiya Foundation of the Works of Imam Al-Khoei. [In Arabic]
- Khomeini, Seyed Ruhollah, (Bita). *Tahrir al-Usilah*, print: 1, volume 2, Qom, Dar Alam Press Institute.
- Koleini, Mohammad Bagher (1407). *Kafi*, Volume 7, Issue 4, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, Nasser, (1418 AH). *Anwar Al-Faqahah - Book of Al-Hudud and Ta'azirat*, first edition, Qom: Imam Ali (AS) Madrasah Publications. [In Arabic]
- Mohaghegh Helli, Najm al-Din, (1412 AH). *The final point*, volume 3, first edition, Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Mohaghegh, Mohammad Baqer, (2011). *Deir al-Fareed in Qur'an Culture*, Volume 6, Tehran: Ba'ath Publishing House. [In Arabic]
- Mohagheq Helli, Najm al-Din, 1408 AH, *Islamic Laws in Halal and Haram Issues*, Ch. 2, Vol. 4, Qom, Ismailian Institute. [In Arabic]
- Mousavi Ardabili, Seyed Abdul Karim, (1427 AH). *Fiqh al-Hudud and al-Tazirat*, Volume 1, 2nd edition, Qom: Est. [In Arabic]

- Mousavi Golpaygani, Seyyed Mohammad Reza, (1412 AH). *Al-Dar Al-Mandud Fi Hakam al-Hudood*, first volume, first edition, Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic]
- Mousavi Khoui, Seyyed Abu al-Qasim, (1422 AH). *Basics of Takmal Al-Manhaj*, Volume 41, First Edition, Qom: Ihiya Foundation of Imam Al-Khoei's Works. [In Arabic]
- Mousavi Sabzevari, Seyyed Abd al-Ala, (1413 AH). *Mahdzab al-Ahkam*, Al-Manar Institute, Volume 27, Issue 4, Qom: Office of Ayatollah Sabzevari. [In Arabic]
- Mustafavi, Hassan, (1426 AH). *Al-Habiq fi Kalam al-Qur'an al-Karim*, volume 2, first edition, Tehran: Publications of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
- Najafi, Sheikh Mohammad Hassan (owner of jewels), (1404 AH). *Jawaharlal Kalam in the explanation of the laws of Islam*, researched by Abbas Quchani, Ali Akhundi; Mahmoud Qochani and Reza Estadi, Volume 41, Tehran: Qom Teachers Association. [In Arabic]
- Qaza Education and Research Institute, *Judicial Questionnaire Archive*, Qom: Question 125. [In Persia]
- Qazi, Ibn Baraj, (1406 AH). *Al-Muhhadzb*, Volume 2, 1st edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society of Teachers. [In Arabic]
- Qommi, Mohammad Momin, (1422 AH). *Basics of Tahrir al-Wasila - Kitab al-Hudud*, first edition, Tehran: Imam Khomeini's (RA) Editing and Publishing Institute. [In Arabic]
- Sadouq, Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali, (1413 AH). *Man Laihzara al-Faqih*, Volume 4, Qom: Islamic Publishing House.
- Sarikhani, Adel, (2016). "Philosophy of Ehsan in sexual crimes subject to limits based on the Islamic Penal Code", *Fiqh and Islamic Law Research Quarterly*, year 13, number 48. [In Persia]
- Seyyed Abd al-Ala Sabzevari, (1413 AH). *Mahdhab al-Ahkam*, Volume 2, 4th edition, Qom: Al-Manar Institute Publications. [In Arabic]
- Sheikh Tusi, Abu Jafar, Muhammad bin Hassan, (1407 AH). *Al-Khalaf*, Volume 5, 1st edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society. [In Arabic]

- Tabarsi, Amin al-Islam, (1410 AH). *Al-Mu'atalif Man al-Makhfiat Bin Imam al-Salaf*, Volume 2, First Edition, Mashhad: Islamic Research Council Publications. [In Arabic]
- Tabrizi, Javad bin Ali, (1417 AH). *The foundations of al-Hudud and al-Tazirat*, first edition, Qom: Author's Book Publishing. [In Arabic]
- Yahya bin Sharaf Nawawi, Abu Zakaria Mohyiddin, (Bita). *Tahdeeb Al-Asma and Vocabulary*, Volume 1, Damascus: Dar Al-Fiha, Dar Al-Manhal Publishers. [In Arabic]
- Zeraeat, Abbas, (2014). *Detailed description of the Islamic Penal Code*, (about), Tehran: Jangal Publishing. [In Persia]

استناد به این مقاله: لطفی، عبدالرضا و دهقانیان، رضا. (۱۴۰۱). ضابطه فقهی و حقوقی در احصان

مسافر. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۱)، ۹۹-۱۲۳. doi: 10.22054/jclr.2023.58920.2283



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.